

A model for protecting law enforcement personnel and their families in cognitive warfare

Received: 2024-05-22

Pp. 135-166

Accepted: 2025-02-27

Ghadir Bakhshi¹

Abstract

Background and Objective: Cognitive warfare has been designed as one of the new tools of information and psychological warfare, especially against security and law enforcement forces. This war uses false information, rumors, and psychological techniques to influence public opinion and the beliefs of law enforcement personnel and their families. The purpose of this article is to examine and develop a model for protecting law enforcement personnel and their families against cognitive warfare threats.

Methodology: To develop the aforementioned model, a qualitative research method based on content analysis and semi-structured in-depth interviews was used. The samples were selected from a combination of senior managers and experienced law enforcement commanders, experts in psychology, media and cybersecurity, and researchers in the fields of security, cognitive warfare and social protection, in a total of 20 people, until theoretical saturation was reached. The sampling method is purposive. The validity and reliability of the research were assessed using a three-way approach, namely combining data from interviews, analysis of existing literature, and practical experiences to increase the accuracy and validity of the results.

Findings: A protection model with 8 macro dimensions (education and culture building; psychological and social support; technical and supervisory measures; crisis management and coordination at different levels; socio-cultural dimension; security and cyber dimension; managerial and organizational dimension; and legal and regulatory dimension); 30 components and more than 80 indicators were developed.

Results: The model developed to protect law enforcement personnel and their families in cognitive warfare is a comprehensive response to the complex and multi-layered threats that endanger the mental, social, and organizational health of this group in today's environment. This model, by considering various dimensions, from education to cybersecurity, provides operational strategies to reduce vulnerability and increase resilience.

Keywords: Cognitive warfare, law enforcement personnel, protection model.

Citation (APA): Bakhshi, Ghadir (2025). A model for protecting law enforcement personnel and their families in cognitive warfare, *Quarterly of Supervision and Inspection*, 18 (70), 135-166.

DOI: <https://doi.org/10.22034/si.2025.104188>

1 - Assistant Professor, Farajah Institute of Law Enforcement Sciences and Social Studies, alireza_bakhshi@yahoo.com



الگوی صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

صص ۱۶۶-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

قدیر بخشی^۱

چکیده

زمینه و هدف: جنگ شناختی به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین جنگ‌های اطلاعاتی و روانی، به‌ویژه علیه نیروهای امنیتی و انتظامی، طراحی شده است. این جنگ با استفاده از اطلاعات نادرست، شایعات و تکنیک‌های روان‌شناختی تلاش می‌کند تا افکار عمومی و باورهای کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این مقاله، بررسی و تدوین الگوی صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در برابر تهدیدات جنگ شناختی است.

روش‌شناسی: برای تدوین الگوی مذکور، از روش پژوهش کیفی بر اساس تحلیل مضمون و استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بهره‌گیری شده است. نمونه‌ها از ترکیب مدیران ارشد و فرماندهان انتظامی باتجربه، کارشناسان روان‌شناسی، رسانه و امنیت سایبری و پژوهش‌گران حوزه امنیت، جنگ شناختی و صیانت اجتماعی، به تعداد ۲۰ نفر و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری هدف‌مند است. سنجش اعتبار و روایی پژوهش با استفاده از رویکرد سه‌جانبه‌سازی یعنی ترکیب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، تحلیل ادبیات موجود، و تجربیات عملی برای افزایش دقت و روایی نتایج صورت گرفت.

یافته‌ها: الگوی صیانتی با ۸ بُعد کلان (آموزش و فرهنگ‌سازی؛ حمایت و پشتیبانی روانی و اجتماعی، اقدامات فنی و نظارتی، مدیریت بحران و هماهنگی در سطوح مختلف، بُعد فرهنگی-اجتماعی، بُعد امنیتی و سایبری، بُعد مدیریتی و سازمانی و بُعد حقوقی و قانونی)، ۳۰ مؤلفه و بیش از ۸۰ شاخص تدوین شد.

نتایج: الگوی تدوین‌شده برای صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی، پاسخی جامع به تهدیدات پیچیده و چندلایه‌ای است که در فضای امروز، سلامت روانی، اجتماعی و سازمانی این گروه را به‌خطر می‌اندازد. این الگو با در نظر گرفتن ابعاد مختلف، از آموزش تا امنیت سایبری، راهبردهایی عملیاتی برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جنگ شناختی، کارکنان انتظامی، الگوی صیانت.

استناد (APA): بخشی، قدیر (۱۴۰۳). الگوی صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی.

فصلنامه نظارت و بازرسی، ۱۸ (۷۰)، ۱۶۶-۱۳۵.

DOI: <https://doi.org/10.22034/si.2025.104188>

صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در برابر جنگ شناختی، به‌ویژه در عصر جدید که با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی همراه است، یکی از مسائل مهم و حساس در امنیت ملی و عملکرد سازمان‌های امنیتی و انتظامی است. جنگ شناختی، به‌عنوان نوعی از جنگ‌های نرم و غیرمستقیم، با هدف تأثیرگذاری بر ذهن، باورها، و نگرش‌های افراد صورت می‌گیرد و می‌تواند از طریق ابزارهایی نظیر شایعه‌سازی، پخش اطلاعات نادرست، تخریب روحیه و القای ناامنی روانی، بر نیروی انسانی انتظامی و خانواده‌های آنان تأثیرات منفی بگذارد. جنگ شناختی یکی از ابعاد نوین جنگ‌های مدرن است که با هدف تأثیرگذاری بر ادراک، احساسات و رفتارها از طریق اطلاعات و ابزارهای دیجیتال به‌کار گرفته می‌شود. این نوع جنگ با استفاده از تحریکات روانی تلاش می‌کند تا نه‌تنها نیروهای نظامی و امنیتی را از درون تضعیف کند، بلکه جوامع و خانواده‌های مرتبط با آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد (شرکت راند^۱، ۲۰۲۱). کارکنان انتظامی در خط مقدم مواجهه با تهدیدات، فشارهای روانی و چالش‌های اجتماعی قرار دارند. تهدیدات ناشی از جنگ شناختی می‌تواند بر روحیه، سلامت روانی، و اعتماد به نفس آنان تأثیرات مخربی داشته باشد. در صورت عدم توجه به این مسئله، افزایش استرس شغلی، ناامیدی و احساس عدم امنیت در محیط کار و زندگی به مرور در آنان ایجاد می‌شود که می‌تواند کارایی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کارکنان انتظامی به‌دلیل مواجهه با تهدیدات و فشارهای کاری، در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند.

جنگ شناختی با ایجاد فشارهای روانی مضاعف می‌تواند باعث کاهش تمرکز، افزایش استرس شغلی و کاهش انگیزه کارکنان شود. این مشکلات در بلندمدت می‌تواند به کاهش عملکرد شغلی آنان منجر شود (ویولانتی و آرون^۲،

1- RAND Corporation

2- Violanti, J. M., & Aron, F.

۱۹۹۵: ۲۹۱). خانواده‌های کارکنان انتظامی نیز، به‌ویژه در مأموریت‌های حساس و در شرایط پیچیده، از لحاظ عاطفی و روانی در معرض فشارهای بالا و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند. جنگ شناختی با القای اخبار و شایعات منفی و تحریف واقعیت‌ها می‌تواند باعث اضطراب، نگرانی و تزلزل در محیط خانوادگی آنان شود که به‌طور غیرمستقیم بر روحیه، عملکرد و کارایی کارکنان انتظامی نیز تأثیرگذار خواهد بود (بورک^۱، ۱۹۹۳: ۱۷۵). جنگ شناختی با هدف تضعیف انگیزه و تاب‌آوری کارکنان انتظامی انجام می‌شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با کاهش انگیزه و اعتماد به نفس کارکنان در انجام وظایف و کاهش امید و انگیزه برای مقابله با تهدیدات از جمله مسائلی است که می‌تواند به تضعیف روحیه نیروی انسانی منجر شود و این مسئله می‌تواند کارایی نیروی انتظامی را تحت تأثیر قرار دهد (مک کریری و تامپسون، ۲۰۰۶: ۵۱۱). در فضای جنگ شناختی، سازمان‌های انتظامی در معرض آسیب‌هایی از جمله اختلافات درونی، شایعات، و نارضایتی‌های شغلی هستند. این شرایط ممکن است باعث ایجاد بی‌اعتمادی در میان کارکنان نسبت به مدیران و فرماندهان شود و به مرور انسجام سازمانی را تحت تأثیر قرار دهد. یکی دیگر از جنبه‌های مهم جنگ شناختی، استفاده از تهدیدات سایبری و انتشار اطلاعات نادرست است. در صورت نفوذ اطلاعات محرمانه یا حساس به فضای عمومی، نه تنها امنیت کارکنان انتظامی بلکه امنیت عمومی نیز به مخاطره می‌افتد. از طریق پخش اطلاعات نادرست یا شایعات، ممکن است اعتماد عمومی به عملکرد انتظامی نیز تضعیف شود. ایجاد تصویری نادرست از انتظامی به‌عنوان نهادی ناکارآمد یا سرکوب‌گر می‌تواند یکی از اهداف جنگ شناختی باشد.

بنابراین با توجه به این که کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان به‌دلیل نقش حیاتی خود در حفظ نظم و امنیت اجتماعی، از اهداف اصلی این نوع جنگ به‌شمار می‌روند، از این‌رو طرح مسئله صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در برابر جنگ شناختی مستلزم تدوین و اجرای الگوی جامعی است. نیاز

به مطالعات گسترده و پژوهش‌های علمی برای شناسایی روش‌های مؤثر مقابله با جنگ شناختی و صیانت از نیروی انسانی انتظامی و خانواده‌های آنان بسیار احساس می‌شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به توسعه راهبردهای مؤثر و شناسایی ابزارها و روش‌های نوین در افزایش مقاومت روانی و اجتماعی کارکنان و خانواده‌های آنان کمک کنند و نقش مهمی در ارتقای کارایی و اثربخشی نیروهای انتظامی ایفاء کنند. بنابراین هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی جامع شامل شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان است.

پیشینه

در زمینه صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی، چند پژوهش برجسته به موضوعاتی هم‌چون ارتقای تاب‌آوری، توسعه حمایت‌های روانی و اجتماعی، و مدیریت استرس پرداخته‌اند. در ادامه چند نمونه از پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با این حوزه آورده شده است:

میرزایی و یوسفی (۱۴۰۱) در پژوهشی اثرات عدالت سازمانی بر تاب‌آوری کارکنان در جنگ شناختی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که رعایت عدالت سازمانی و ایجاد محیطی شفاف و عادلانه، می‌تواند به تقویت تاب‌آوری روانی و اعتماد درونی کارکنان کمک کند و آنان را در برابر تهدیدات شناختی مقاوم‌تر سازد.

محمدی و طاهری (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان «نقش سواد رسانه‌ای بر کاهش آسیب‌های شناختی در کارکنان انتظامی» به انجام رسانیده‌اند. این مطالعه به تأثیر سواد رسانه‌ای بر توانایی شناسایی و مقابله با اخبار نادرست و اطلاعات تحریف شده در میان کارکنان انتظامی می‌پردازد. نتایج نشان داد که ارتقای سواد رسانه‌ای در کاهش تأثیرات منفی اطلاعات مخرب مؤثر است.

احمدی و حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری روانی کارکنان انتظامی»، به بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری روانی و مقاومت کارکنان انتظامی در برابر چالش‌های روانی و شناختی پرداخته‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی و حمایت‌های روانی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری کمک کند.

در پژوهش رستمی و صادقی (۱۳۹۸) با عنوان «تأثیر حمایت‌های سازمانی در افزایش احساس امنیت خانواده‌های کارکنان انتظامی»، نقش‌حمایت‌های سازمانی و تأثیر آن بر احساس امنیت و آرامش خانواده‌های کارکنان انتظامی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی سازمانی به کاهش اضطراب خانواده‌ها کمک شایانی می‌کند.

عزیزی و کریمی (۱۳۹۷) به بررسی مدیریت استرس شغلی و تأثیر آن بر صیانت از سلامت روانی کارکنان انتظامی پرداخته‌اند. این مطالعه به بررسی مدیریت استرس و تکنیک‌های کاهش فشارهای شغلی پرداخته و تأثیر آن بر سلامت روانی کارکنان انتظامی را تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت استرس و برنامه‌های حمایتی می‌تواند سلامت روانی و کارایی کارکنان را افزایش دهد.

این مطالعات نشان‌دهنده اهمیت توجه به حمایت‌های روانی، عدالت سازمانی، سواد رسانه‌ای و مدیریت استرس در صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان است.

در زمینه صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در برابر تهدیدات جنگ شناختی و چالش‌های روانی و اجتماعی، پژوهش‌هایی نیز در منابع بین‌المللی صورت گرفته است. در ادامه چند نمونه از منابع معتبر خارجی ارائه شده است:

پوتر^۱ (۲۰۱۳) به بررسی نقش سواد رسانه‌ای در مقابله با جنگ شناختی و کاهش اثرات اخبار نادرست بر کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که آموزش‌های سواد رسانه‌ای به انتظامی کمک می‌کند تا با تهدیدات شناختی بهتر مقابله کنند.

شان^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان داده است که حمایت‌های سازمانی تأثیر به‌سزایی در کاهش استرس شغلی و افزایش اعتماد به نفس و تعهد کارکنان دارد و در نتیجه، عملکرد و رضایت شغلی آنان بهبود می‌یابد.

آرتنز^۲ و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی تاب‌آوری بر سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان انتظامی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش‌های تاب‌آوری به افزایش مقاومت کارکنان در برابر استرس و تهدیدات روانی کمک می‌کند.

کاپ و اوما (۲۰۰۱)، تأثیر حمایت اجتماعی و خانوادگی بر سلامت روانی و کیفیت زندگی خانوادگی کارکنان انتظامی را بررسی کرده و نشان می‌دهند که حمایت اجتماعی در مقابله با فشارهای شغلی و چالش‌های زندگی کاری-خانوادگی مؤثر است.

کلکوویت^۳ (۲۰۰۱) و همکاران به بررسی ارتباط عدالت سازمانی با رضایت شغلی و تاب‌آوری کارکنان انتظامی پرداخته و نشان داده‌اند که رعایت عدالت سازمانی، منجر به افزایش اعتماد در سازمان و بهبود عملکرد و تاب‌آوری کارکنان می‌شود.

جمع‌بندی پیشینه

هر یک از پژوهش‌های قبلی گفته شده، به‌گونه‌ای به ابعادی از صیانت از کارکنان اشاره داشته‌اند و این منابع به ارائه راه‌کارهای متنوع برای بهبود تاب‌آوری، کاهش استرس شغلی، ارتقای سواد رسانه‌ای و تقویت حمایت‌های سازمانی و اجتماعی برای کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان پرداخته‌اند. ولی در هیچ‌یک از این منابع، الگوی جامعی که به تمام ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های صیانت از کارکنان و خانواده‌های آنان پرداخته باشد ارائه نشده است و این مقاله در پاسخ به این خلاء پژوهشی تدوین یافته است.

1- Shane, J. M.

2- Arnetz, B. B., Nevedal, D. C., Lumley, M. A., Backman, L., & Lublin, A

3- Colquitt, J. A., Conlon, D. E., Wesson, M. J., Porter, C. O., & Ng, K. Y

مبانی نظری

تعریف جنگ شناختی: جنگ شناختی^۱، به مجموعه‌ای از راهبردها و روش‌ها اطلاق می‌شود که هدف آن تأثیرگذاری و تغییر در ادراک، نگرش‌ها و رفتارهای افراد و جوامع است. در جنگ شناختی، از اطلاعات، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین برای اثرگذاری بر ذهن و شناخت انسان‌ها استفاده می‌شود. این نوع جنگ تلاش دارد تا از طریق اطلاعات نادرست، تحریکات روانی و ایجاد شک و تردید در باورها، به اهداف خود دست یابد. جنگ شناختی با جنگ‌های سنتی متفاوت است، چرا که محور اصلی آن تغییر در باورها و افکار افراد به جای استفاده از نیروهای فیزیکی و نظامی است. جنگ شناختی شامل طیف گسترده‌ای از ابزارهای روانی و اطلاعاتی است که به صورت هم‌زمان علیه اهداف نظامی و غیرنظامی به کار گرفته می‌شود. این ابزارها می‌توانند شامل رسانه‌های اجتماعی، عملیات روانی، و ترویج اخبار نادرست و شایعات باشند که برای کاهش روحیه و تخریب اعتماد مردم به نهادهای دولتی یا نخبگان به کار می‌روند (مک فیتز^۲، ۲۰۲۱: ۳۱).

جنگ شناختی به مجموعه‌ای از اقدامات اطلاق می‌شود که به منظور تغییر رفتار و ادراک هدف از طریق اطلاعات و عملیات روانی صورت می‌گیرد (ناتو^۳، ۲۰۲۰).

در این جنگ، کارکنان انتظامی و خانواده‌های آن‌ها به‌عنوان اهداف کلیدی برای تضعیف توانایی انتظامی در برقراری نظم و امنیت عمومی در نظر گرفته می‌شوند.

تهدیدات جنگ شناختی: تهدیدات جنگ شناختی علیه کارکنان انتظامی و خانواده‌های آن‌ها، با توجه به ماهیت پیچیده و نوظهور جنگ شناختی و استفاده گسترده از ابزارهای اطلاعاتی، رسانه‌ای و روان‌شناختی، می‌تواند تأثیرات عمیق و ماندگاری داشته باشد. این نوع جنگ، برخلاف جنگ‌های

1- Cognitive Warfare

2- Shawn P. McPheeters

3- NATO Review

فیزیکی، بر روان‌شناسی افراد و جوامع تمرکز می‌کند و با هدف تأثیرگذاری بر ادراک، باورها و رفتارها طراحی شده است. در ادامه، این تهدیدات با جزئیات بیش‌تری توضیح داده می‌شوند:

تحریف ادراک عمومی و اعتماد اجتماعی: یکی از اصلی‌ترین اهداف جنگ شناختی علیه نیروهای انتظامی، ایجاد شک و تردید در وفاداری و مشروعیت آن‌ها در نزد افکار عمومی است. از طریق انتشار اخبار نادرست، شایعات و روایت‌های جانبدارانه، تلاش می‌شود اعتماد جامعه به انتظامی و عملکرد آن‌ها تضعیف شود. این بی‌اعتمادی می‌تواند احساس امنیت خانواده‌ها و کارکنان انتظامی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از مهم‌ترین تهدیدات جنگ شناختی علیه کارکنان انتظامی، تحریف تصویر عمومی از انتظامی در جامعه است. دشمنان داخلی و خارجی می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، اخبار جعلی، شایعات و روایت‌های تحریف‌شده را منتشر کنند تا اعتماد عمومی به انتظامی تضعیف شود. برای مثال، با ایجاد و ترویج تصاویری از خشونت یا سوءاستفاده توسط انتظامی در شبکه‌های اجتماعی، ممکن است افراد جامعه به‌تدریج احساس کنند که نیروهای انتظامی دیگر حافظ امنیت آن‌ها نیستند، بلکه خودشان عامل تهدید هستند. این نوع تخریب روانی باعث کاهش مشروعیت انتظامی در نظر مردم می‌شود و می‌تواند منجر به فاصله‌گرفتن جامعه از انتظامی و حتی نافرمانی مدنی شود.

تضعیف روحیه و انگیزه کاری: یکی از مهم‌ترین تأثیرات جنگ شناختی، کاهش روحیه و انگیزه کاری کارکنان انتظامی است. انتشار اطلاعات نادرست و شایعات منفی می‌تواند حس بی‌اعتمادی و ناامیدی را در میان کارکنان انتظامی تقویت کرده و منجر به تضعیف اعتماد به‌نفس آنان شود (مرکز مطالعات بین‌المللی استراتژیک، ۲۰۲۰).

از طریق نشر محتوای منفی یا ترسناک در رسانه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌ها، سعی می‌شود روحیه کارکنان انتظامی را تضعیف کرده و انگیزه آن‌ها

را برای انجام وظایف کاهش دهند. هم‌چنین با ایجاد فضای روانی منفی، خانواده‌های این کارکنان نیز تحت فشار روانی قرار می‌گیرند و نگرانی‌هایی در مورد امنیت و وضعیت شغلی عزیزانشان تجربه می‌کنند.

کارکنان انتظامی به دلیل مأموریت‌های پُرخطر و وظایف حساس همواره نیازمند حمایت روانی و انگیزشی بالا هستند. اما در جنگ شناختی، دشمنان از ابزارهای روان‌شناختی مانند تحقیر، تمسخر و بی‌اهمیت جلوه دادن نقش انتظامی استفاده می‌کنند تا روحیه و انگیزه کارکنان را تضعیف کنند. این حملات می‌تواند شامل حمله‌های روانی مستقیم به کارکنان انتظامی از طریق رسانه‌ها، یا حتی تهدیدات شخصی و خانوادگی باشد که به‌وسیله آن سعی در ایجاد اضطراب و نگرانی در آن‌ها دارند.

انتشار مداوم اطلاعات منفی و نادرست از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند تصویری تحریف‌شده از عملکرد انتظامی ارائه دهد. این امر باعث می‌شود که کارکنان انتظامی احساس کنند تلاش‌هایشان بی‌ارزش است یا با کم‌ترین قدردانی همراه است. این وضعیت نه‌تنها اعتماد به نفس آنان را کاهش می‌دهد، بلکه انگیزه آنان برای ادامه خدمت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به گفته مؤسسه رند، جنگ شناختی می‌تواند از طریق ایجاد تردید در وفاداری به مأموریت و تضعیف انگیزه‌های شخصی، نیروهای امنیتی را از درون فرسوده کند. این تأثیرات می‌تواند به‌صورت مستقیم بر عملکرد انتظامی در مأموریت‌های روزمره و مواجهه با بحران‌ها تأثیر بگذارد. به گفته ناتو در گزارش سال ۲۰۲۰، جنگ شناختی از تاکتیک‌هایی مانند نشر اطلاعات نادرست و تأثیرگذاری عاطفی بهره می‌برد تا نیروهای امنیتی کشورها را ضعیف کند و آن‌ها را از درون فرسوده کند.

فشارهای روانی بر خانواده‌ها: تهدیدات اطلاعاتی و روانی می‌تواند اضطراب و استرس شدیدی برای اعضای خانواده‌ها ایجاد کند که به‌نوبه خود بر عملکرد روانی و جسمی کارکنان انتظامی تأثیرگذار است.

خانواده‌های کارکنان انتظامی نیز به‌شدت از جنگ شناختی تأثیر می‌پذیرند. این تأثیرات می‌تواند از طریق حملات مستقیم یا غیرمستقیم به خانواده‌ها در شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های عمومی صورت گیرد. به‌عنوان مثال، تهدیدات شخصی یا انتشار اطلاعات نادرست درباره خانواده‌ها در اینترنت می‌تواند موجب افزایش اضطراب، ترس و ناامنی روانی در آن‌ها شود. این وضعیت می‌تواند منجر به فشار روانی بر کارکنان انتظامی نیز شود، زیرا آن‌ها نه‌تنها با چالش‌های شغلی مواجه هستند، بلکه نگران امنیت و سلامت روانی خانواده‌های خود نیز هستند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) در پژوهش‌های خود به این نکته اشاره می‌کند که جنگ شناختی می‌تواند با هدف ایجاد فشارهای روانی بر خانواده‌های نیروهای امنیتی طراحی شود تا آن‌ها احساس کنند که زندگی‌شان در معرض تهدید مداوم است و حمایت کافی از سوی دولت یا جامعه دریافت نمی‌کنند.

طبق گزارش ناتو در سال ۲۰۲۰، کاهش اعتماد عمومی به نیروهای امنیتی و انتظامی از طریق جنگ شناختی می‌تواند منجر به ناکارآمدی آن‌ها در اجرای وظایف امنیتی و برقراری نظم شود. این شکاف می‌تواند تهدیدی جدی برای ثبات اجتماعی و امنیت داخلی کشورها باشد.

در یک مطالعه بین‌المللی از سوی مؤسسه پژوهشی رند^۱، اشاره شده است که حملات سایبری و اطلاعاتی علیه خانواده‌های نظامیان و نیروهای امنیتی به‌عنوان یک تاکتیک جنگ شناختی نوین به‌کار گرفته می‌شود، که هدف آن نه تنها تضعیف کارکنان انتظامی، بلکه ایجاد بی‌ثباتی روانی و اجتماعی در خانواده‌های آنان است (رند، ۲۰۲۱). تلاش‌های جنگ شناختی می‌تواند روابط عاطفی بین کارکنان انتظامی و خانواده‌هایشان را تحت تأثیر قرار دهد و زمینه‌ساز مشکلات ارتباطی شود. یکی از اهداف اصلی جنگ شناختی، کاهش حمایت خانواده از کارکنان انتظامی است. این موضوع می‌تواند از طریق تشویق به جدایی یا ایجاد اختلافات عمیق خانوادگی محقق شود.

ایجاد تفرقه و شکاف بین انتظامی و جامعه: جنگ شناختی با هدف ایجاد شکاف بین انتظامی و جامعه طراحی می‌شود. با کاهش اعتماد عمومی به انتظامی از طریق انتشار اطلاعات نادرست و شایعات، انتظامی ممکن است در اجرای وظایف خود دچار مشکلاتی شود و این وضعیت به ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و کاهش کارآمدی نیروهای انتظامی منجر می‌شود (ناتو، ۲۰۲۰).

با استفاده از تاکتیک‌های جنگ شناختی، تلاش می‌شود نیروهای انتظامی از جامعه جدا شده و به‌عنوان نیروهای سرکوب‌گر و غیرقابل اعتماد معرفی شوند. این موضوع می‌تواند خانواده‌های انتظامی را نیز در معرض فشارهای اجتماعی قرار دهد. یکی از راهبردهای مهم جنگ شناختی، ایجاد شکاف بین انتظامی و جامعه است. دشمنان با ارائه تصویری منفی و مخدوش از انتظامی، تلاش می‌کنند تا اعتماد مردم به این نهاد تضعیف شود. این شکاف ممکن است منجر به این شود که مردم به‌جای همکاری با انتظامی، علیه آن موضع‌گیری کنند. در نهایت، این وضعیت می‌تواند منجر به افزایش ناآرامی‌های اجتماعی و ناتوانی انتظامی در اجرای وظایف خود شود.

این نوع تهدیدات به‌ویژه در مناطقی که از لحاظ اجتماعی یا سیاسی آسیب‌پذیر هستند، بیش‌تر قابل مشاهده است. به گفته مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS)^۱، جنگ شناختی با هدف تحریک احساسات مردمی و ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی علیه نیروهای امنیتی و انتظامی در جوامعی مانند ایران، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در بی‌ثبات‌سازی داخلی عمل کند (سی‌سایس، ۲۰۲۲).

حمله به ارزش‌های شغلی و اعتقادی: از طریق تقویت روایت‌های منفی درباره مأموریت‌ها و وظایف انتظامی، تلاش می‌شود که کارکنان انتظامی و خانواده‌هایشان احساس کنند که کار آن‌ها بی‌اهمیت یا غیرقابل دفاع است. این حملات می‌تواند موجب افت اعتماد به‌نفس و افزایش استرس در میان آن‌ها شود (زیباکلام و تدینی، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از تاکتیک‌های جنگ شناختی، حمله به ارزش‌های حرفه‌ای و اعتقادات مذهبی کارکنان انتظامی است. دشمنان می‌توانند از ابزارهای اطلاعاتی برای به چالش کشیدن مشروعیت مأموریت‌های انتظامی یا اهداف امنیتی کشور استفاده کنند. این حملات می‌تواند موجب شود که کارکنان انتظامی و خانواده‌های آن‌ها احساس کنند که وظایف آن‌ها بی‌ارزش یا غیرقابل دفاع است. در نتیجه، انگیزه آن‌ها برای خدمت به جامعه کاهش می‌یابد و انتظامی ممکن است از انجام وظایف خود به نحو احسن بازماند.

مؤسسه جنگ‌های نوین آمریکا در گزارش‌های خود به این نکته اشاره می‌کند که یکی از تاکتیک‌های جنگ شناختی، تضعیف احساس هویت شغلی و افتخار نیروهای امنیتی است، که می‌تواند منجر به کاهش تعهد و افزایش مشکلات روانی در میان آن‌ها شود (مؤسسه جنگ‌های نوین آمریکا، ۲۰۲۳).

به گفته مؤسسه مطالعات جنگ‌های نوین آمریکا (ISW)، یکی از تاکتیک‌های جنگ شناختی، حمله به ارزش‌های شغلی و حرفه‌ای نیروهای امنیتی است. این تاکتیک‌ها می‌توانند موجب کاهش اعتماد به نفس، افزایش اضطراب و نارضایتی شغلی شوند.

افزایش استرس شغلی و فرسودگی روانی: کارکنان انتظامی همواره با استرس‌های شغلی ناشی از مواجهه با جرم و جنایت و حفاظت از نظم اجتماعی روبه‌رو هستند. با این حال، جنگ شناختی می‌تواند این استرس‌ها را دوچندان کند. انتشار اطلاعات منفی، شایعات و حملات شخصی به کارکنان انتظامی می‌تواند باعث فرسودگی روانی آنان شود. این وضعیت ممکن است منجر به سندرم فرسودگی شغلی شود، وضعیتی که در آن کارکنان به دلیل فشارهای روانی و احساسی دیگر قادر به انجام وظایف خود به‌طور مؤثر نخواهند بود.

در مطالعه‌ای که توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) انجام شد، تأثیرات جنگ شناختی بر نیروهای امنیتی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که استرس‌های مزمن روانی ناشی از حملات شناختی می‌تواند به شکل قابل توجهی سلامت روانی و عملکرد حرفه‌ای آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

تضعیف هویت حرفه ای و اعتماد به نفس: یکی از مهم ترین تأثیرات جنگ شناختی، تضعیف هویت حرفه ای کارکنان انتظامی است. دشمنان می توانند از طریق اطلاعات نادرست و تحریف شده، مأموریت‌ها و وظایف انتظامی را زیر پرسش ببرند و باعث شوند که کارکنان انتظامی احساس کنند که شغل و نقششان ارزش اجتماعی ندارد. این مسئله به‌ویژه در مواقعی که کارکنان انتظامی درگیر درگیری‌های اجتماعی و سیاسی هستند، به‌شدت مشهود است.

چارچوب نظری صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی به‌منظور تدوین راهبردهای حمایتی و مقاوم‌سازی روانی-اجتماعی، بر پایه مبانی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، و مدیریت منابع انسانی استوار است. این چارچوب به تشریح ابعاد مختلفی می‌پردازد که شامل تاب‌آوری روانی، حمایت اجتماعی و خانوادگی، سواد رسانه‌ای، عدالت سازمانی، مدیریت استرس و ... می‌شود. این چارچوب می‌تواند به‌عنوان مبنای توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی برای کاهش اثرات منفی جنگ شناختی بر نیروی انسانی انتظامی استفاده شود و به افزایش توانمندی‌های آنان در برابر تهدیدات نوین کمک کند. مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های نظامی و امنیتی مانند انتظامی، نقش حیاتی در صیانت از کارکنان و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی ایفاء می‌کند. در این زمینه، سه بُعد اصلی شامل «گزینش»، «نظام تشویق و تنبیه کارآمد و عادلانه» و «شایسته‌سالاری» را می‌توان در نظر گرفت. این ابعاد هریک دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هستند که می‌توانند به تحقق هدف اصلی یعنی حمایت از کارکنان و خانواده‌های آنان در برابر تهدیدهای جنگ شناختی کمک کنند.

روش‌شناسی

برای تدوین الگوی مذکور، از روش پژوهش کیفی بر اساس تحلیل مضمون^۱ و استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بهره‌گیری شده است. این روش پژوهش به‌ویژه برای موضوعات پیچیده و چندوجهی مانند صیانت از کارکنان

انتظامی در جنگ شناختی مناسب است، زیرا به درک عمیق از تجربیات، دیدگاه‌ها و دانش خبرگان این حوزه کمک می‌کند. روش نمونه‌گیری هدف‌مند^۱ است. این روش برای انتخاب افرادی که دانش، تجربه، و بینش کافی در زمینه موضوع دارند، مناسب است. نمونه‌ها از ترکیب مدیران ارشد و فرماندهان انتظامی باتجربه (۲ نفر فرمانده استان و ۸ نفر مدیران کل ستادی)؛ کارشناسان روان‌شناسی، رسانه و امنیت سایبری و پژوهش‌گران حوزه امنیت، جنگ شناختی و صیانت اجتماعی (به تعداد ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه جامع علوم انتظامی و دانشگاه دفاع ملی) جمعاً به تعداد ۲۰ نفر و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. این نوع مصاحبه انعطاف‌پذیری لازم برای دریافت دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند، در حالی که ساختار کلی پژوهش را حفظ می‌کند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون، یک روش منعطف و ساختاریافته برای شناسایی و استخراج الگوها^۲ در داده‌های کیفی است. این روش برای تحلیل مصاحبه‌های عمیق بسیار مناسب است. مراحل تحلیل:

۱. آشنایی با داده‌ها: مرور دقیق و چندباره متن مصاحبه‌ها.
۲. کدگذاری اولیه: شناسایی مفاهیم و کلمات کلیدی مرتبط با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها.
۳. ایجاد مضامین: گروه‌بندی کدهای مرتبط در دسته‌بندی‌های بزرگ‌تر (مانند ابعاد اصلی).
۴. مرور و پالایش مضامین: بررسی ارتباط میان مضامین و تنظیم آن‌ها با چارچوب نظری پژوهش.
۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین: مشخص کردن مضامین نهایی که به تدوین الگو کمک می‌کنند.

1- Purposive Sampling

2- Themes



سنجش اعتبار و روایی پژوهش با استفاده از رویکرد سه‌جانبه‌سازی^۱ یعنی ترکیب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، تحلیل ادبیات موجود، و تجربیات عملی برای افزایش دقت و روایی نتایج صورت گرفت و یافته‌های اولیه به شرکت‌کنندگان یا خبرگان برای اطمینان از صحت و دقت تحلیل ارائه شد.

یافته‌ها

جدول ۱: یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	ردیف
ارائه دفاع منطقی از عملکرد انتظامی، تقویت هم‌بستگی سازمانی و مردمی؛ ارتباط مؤثر و شفاف با رسانه‌ها و جامعه از طریق انتشار به‌موقع و روایت دسته اول و دقیق اطلاعات برای جلوگیری از ایجاد شایعات و گسترش اطلاعات نادرست؛ توانمندسازی در تحلیل و شناسایی اطلاعات نادرست؛ آموزش استفاده مسئولانه از فضای مجازی؛ روش‌های ارتباط مؤثر با رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	توانمندسازی انتظامی در مدیریت رسانه‌ها		۱
آگاهی بخشی به کارکنان و خانواده‌های آنان جهت تشخیص اطلاعات درست و نادرست و مقاومت در برابر فشارهای روانی؛ مهارت‌های مقابله با استرس؛ تکنیک‌های آرام‌سازی ذهنی؛ تمرین‌های تمرکز ذهن	آموزش مدیریت استرس و فشار روانی		
آموزش کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان درباره تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگ شناختی و روش‌های مقابله با آن؛ روش‌های مدیریت اطلاعات و پاسخ به شایعات؛ مهارت‌های تفکر انتقادی؛ یادگیری اصول تحلیل اطلاعات دریافتی از رسانه‌ها؛ تحلیل منابع اطلاعاتی و مقابله با شایعات	آموزش‌های تخصصی جنگ شناختی	آموزش و فرهنگ سازی	
ارائه کارگاه‌های آموزشی درباره شناسایی اخبار جعلی و مدیریت ارتقای سواد رسانه‌ای اطلاعات در رسانه‌های اجتماعی؛ تدوین محتوای آموزشی برای تقویت سواد رسانه‌ای در مواجهه با حملات شناختی			
ترویج فرهنگ مقاومت و تاب‌آوری روانی در برابر حملات شناختی از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی؛ توسعه همایش‌ها و برنامه‌های فرهنگی جهت تشویق خانواده‌ها به هم‌بستگی بیشتر و کاهش آسیب‌پذیری روانی	تقویت فرهنگ مقاومت		
حفظ و تقویت سلامت جسمانی و روانی؛ ارتقای هماهنگی کار و زندگی؛ توسعه و تقویت ارتباطات خانوادگی و اجتماعی کارکنان	توسعه سبک زندگی سالم برای کارکنان		

1- Triangulation

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۲	حمایت و پشتیبانی روانی و اجتماعی	پشتیبانی از خانواده‌ها در برابر تهدیدات روانی	برگزاری جلسات تبیین و شفاف‌سازی برای کارکنان و خانواده‌ها؛ تهیه محتوا و بروشورهای آموزشی جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها درباره جنگ شناختی
		ارائه خدمات مشاوره روان شناختی	جلسات مشاوره فردی و خانوادگی؛ کارگاه‌های آموزشی؛ ایجاد دسترسی به مشاوران روان‌شناختی برای کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان به‌طور منظم؛ ارائه مشاوره‌های تخصصی در مواقع بحرانی، به ویژه هنگام حملات شدید شناختی
		ایجاد شبکه‌های حمایتی خانوادگی و اجتماعی	افزایش هم‌بستگی و تقویت روابط خانوادگی میان کارکنان انتظامی و خانواده‌هایشان از طریق برنامه‌های اجتماعی و تفریحی؛ تشکیل گروه‌ها و شبکه‌های حمایتی بین خانواده‌های کارکنان برای تبادل تجربیات؛ برگزاری برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک برای تقویت حمایت اجتماعی و کاهش احساس تنهایی و فشار روانی
		مدیریت استرس و تاب‌آوری روانی در شرایط بحرانی	برگزاری دوره‌های مدیریت استرس و تاب‌آوری روانی برای کارکنان انتظامی و خانواده‌ها؛ استفاده از روش‌های پیشگیرانه برای مقابله با اضطراب و نگرانی‌های ناشی از تهدیدات شناختی؛ برگزاری جلسات گروهی روان‌شناختی برای تبادل تجربیات و حمایت از یکدیگر در شرایط بحران
		مدیریت بحران روانی در خانواده‌ها	ارائه خدمات مشاوره به خانواده‌ها به‌ویژه در شرایط حملات روانی یا تهدیدات شناختی؛ طراحی برنامه‌های روان‌شناختی ویژه برای کودکان و نوجوانان اعضای خانواده کارکنان انتظامی، با هدف کاهش اضطراب و استرس آن‌ها
		شناسایی زود هنگام تهدیدات روانی	ایجاد سیستم‌های هشداردهی زود هنگام برای شناسایی تغییرات رفتاری ناشی از فشارهای روانی در کارکنان انتظامی؛ ارائه خدمات روان‌سنجی منظم برای پایش سلامت روان کارکنان و خانواده‌ها
۳	اقدامات فنی و نظارتی	نظارت و رصد فضای مجازی	رصد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی توسط تیم‌های تخصصی در انتظامی به‌طور مستمر؛ استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ برای پیش‌بینی و شناسایی حملات روانی و تهدیدات شناختی علیه کارکنان؛ بررسی تغییرات نگرش عمومی و خانواده‌ها در مواجهه با جنگ شناختی؛ تهیه گزارش‌های تحلیلی از روند تهدیدات و ارائه راه‌کارهای پیشگیرانه
		کنترل و مقابله با شایعات و اخبار جعلی	تشکیل تیم‌های تخصصی برای پاسخ‌گویی سریع به شایعات و تکذیب اخبار نادرست؛ انتشار اخبار رسمی و دقیق از منابع معتبر به‌طور منظم برای جلوگیری از گسترش شایعات
		استفاده از	به‌کارگیری سیستم‌های تحلیل داده برای شناسایی الگوهای حملات

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
		تکنولوژی‌های نوین:	شناختی و تعیین مناطق یا موضوعاتی با بیشترین تمرکز در جنگ شناختی؛ ایجاد نظام‌های پیش‌بینی و مدیریت ریسک به‌منظور شناسایی و ارزیابی تهدیدات پیش‌رو و به‌حداقل رساندن اثرات منفی آن‌ها؛ بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین جهت آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی درون و برون‌سازمانی و توانمندسازی و آموزش کارکنان
۴	مدیریت بحران و هماهنگی در سطوح مختلف	تشکیل تیم‌های واکنش سریع	ایجاد تیم‌های تخصصی با حضور کارشناسان ارتباطات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، امنیت سایبری و ... برای واکنش سریع به تهدیدات و مدیریت بحران‌های شناختی
		هماهنگی بین دستگاه‌ها	هماهنگی میان بخش‌های مختلف از جمله واحدهای امنیتی، فرهنگی و آموزشی جهت صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آن‌ها
۵	بُعد فرهنگی - اجتماعی	ارتقای هویت سازمانی	رعایت عدالت سازمانی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها جهت افزایش اعتماد کارکنان به سازمان و افزایش تاب‌آوری آنان؛ ترویج ارزش‌ها و اصول هویتی سازمان انتظامی برای افزایش تعلق خاطر کارکنان؛ اجرای برنامه‌های فرهنگی و سمینارهای آموزشی جهت تقویت هویت شغلی و حس مسئولیت در کارکنان و خانواده‌ها
		تقویت سرمایه اجتماعی انتظامی	برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های مشترک بین انتظامی و جامعه برای تقویت اعتماد متقابل؛ تشویق به مشارکت اجتماعی کارکنان انتظامی در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی برای افزایش پیوند با جامعه؛ توسعه نظارت مردمی بر سازمان انتظامی با اهداف «شفافیت و پاسخ‌گویی»، «جلب اعتماد و هم‌بستگی عمومی»، و «حمایت و دفاع از کارکنان»؛ ایجاد گروه‌های حامی مردمی
		مدیریت افکار عمومی	برگزاری کمپین‌های رسانه‌ای و بهره‌گیری از محتوای دیجیتال برای ارتقای تصویر مثبت انتظامی در رسانه‌های عمومی به‌جامعه؛ تولید محتوای رسانه‌ای برای مقابله با روایت‌های منفی و جنگ شناختی علیه انتظامی
۶	بُعد امنیتی و سایبری	امنیت اطلاعات و فضای مجازی	آموزش کارکنان انتظامی و خانواده‌ها درباره حفاظت از اطلاعات شخصی و حساس در فضای مجازی؛ استفاده از نرم‌افزارها و سیستم‌های محافظتی برای جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به اطلاعات شخصی کارکنان
		مقابله با حملات سایبری و نفوذ روانی	ایجاد تیم‌های تخصصی امنیت سایبری برای شناسایی و مقابله با حملات سایبری و روانی در فضای مجازی؛ برگزاری مانورهای شبیه‌سازی جنگ شناختی و سایبری برای تقویت آمادگی نیروهای انتظامی در مواجهه با این تهدیدات

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۷	بُعد مدیریتی و سازمانی	تحلیل داده‌های فضای مجازی	استفاده از سیستم های تحلیل داده برای شناسایی روندها و حملات شناختی در فضای مجازی؛ به‌کارگیری هوش مصنوعی برای تحلیل الگوهای حملات و اقدامات پیشگیرانه
		حفاظت از حریم خصوصی و اطلاعات کارکنان	ایجاد سیستم های امنیتی برای حفاظت از اطلاعات شخصی و خانوادگی کارکنان انتظامی؛ آموزش کارکنان و خانواده‌ها در زمینه حفاظت از اطلاعات شخصی در فضای مجاز
		مدیریت بحران شناختی	ایجاد ستادهای مدیریت بحران شناختی در سازمان انتظامی برای واکنش سریع به حملات شناختی؛ تشکیل کمیته‌های بین‌بخشی برای هماهنگی در مواجهه با جنگ شناختی و روانی
		برنامه‌ریزی راهبردی مقابله با جنگ شناختی	تدوین و اجرای برنامه های راهبردی بلندمدت برای مقابله با تهدیدات شناختی؛ بازبینی و به‌روزرسانی مداوم برنامه‌های سازمانی بر اساس تحلیل‌های نوین و تجربیات گذشته
		ارزیابی مستمر و پیش عملکرد	ایجاد سیستم‌های ارزیابی عملکرد صیانتی برای اندازه‌گیری کارایی برنامه‌های اجرایی؛ برگزاری جلسات منظم برای تحلیل نتایج و تعیین مسیر بهبود در مواجهه با تهدیدات جنگ شناختی
		مدیریت منابع انسانی	گزینش مناسب افراد با توانمندی جسمانی و سازگاری شخصیتی و روانی با مأموریت‌های سازمان؛ تقویت نظام تشویق و تنبیه کارآمد و عادلانه و ایجاد امید و انگیزه در کارکنان؛ توسعه شایسته‌سالاری جهت کاهش آثار منفی جنگ شناختی
		نقش فرماندهان و مدیران در جنگ شناختی	رهبری و هدایت کارآمد و اثربخش، حمایت روانی و اجتماعی از کارکنان، و توسعه ارتباطات و شفافیت در درون و برون سازمان
۸	بُعد حقوقی و قانونی	تقویت سازوکارهای حمایت قانونی برای حفاظت از کارکنان	تدوین قوانین و مقررات حمایتی برای حفاظت از کارکنان انتظامی در برابر حملات شناختی و رسانه‌ای؛ تصویب قوانین برای مقابله با انتشار اطلاعات نادرست و تخریب عمدی اعتبار انتظامی در رسانه‌ها و فضای مجازی
		حقوق خانواده‌ها در برابر تهدیدات شناختی	تدوین قوانین حمایتی برای حفاظت از حقوق خانواده‌های کارکنان انتظامی در برابر تهدیدات روانی و شناختی؛ ارائه پشتیبانی حقوقی به خانواده‌ها در صورت مواجهه با حملات روانی و شایعات در فضای مجازی

تحلیل یافته‌ها

الگوی صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در برابر تهدیدات جنگ شناختی، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، فنی و حقوقی و ...، پاسخی جامع به چالش‌های این حوزه است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب راه کارهای عملیاتی و راهبردی، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری، تاب‌آوری روانی، اجتماعی و سازمانی را تقویت می‌کند.

آموزش و فرهنگ‌سازی: این بُعد به توانمندسازی کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در مواجهه با جنگ شناختی از طریق آموزش‌های متنوع و ارتقای سواد رسانه‌ای می‌پردازد. مؤلفه‌هایی نظیر مدیریت رسانه‌ها، تحلیل اطلاعات نادرست و تکنیک‌های مقابله با استرس در این بخش مورد توجه است. آموزش‌های تخصصی و هدفمند می‌تواند تاب‌آوری روانی و فکری کارکنان و خانواده‌ها را افزایش دهد و احتمال آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر شایعات و فشارهای روانی را کاهش دهد. همچنین ارتقای سواد رسانه‌ای به‌عنوان یک ضرورت در دنیای دیجیتال، نقش مهمی در این بُعد دارد. طبق پژوهشی که توسط مؤسسه مطالعات جنگ‌های نوین آمریکا (ISW) انجام شده، آموزش سواد رسانه‌ای به نیروهای امنیتی و خانواده‌های آنان می‌تواند قابلیت تشخیص و مقاومت در برابر اطلاعات نادرست را به میزان چشم‌گیری افزایش دهد. این آموزش‌ها باید شامل شناسایی تکنیک‌های جنگ شناختی، ترویج اطلاعات معتبر و افزایش آگاهی درباره روش‌های انتشار اطلاعات نادرست باشد (مؤسسه مطالعات جنگ‌های نوین آمریکا، ۲۰۲۳). آموزش‌های تخصصی در زمینه جنگ شناختی، شامل تفکر انتقادی، شناسایی اطلاعات نادرست و مدیریت استرس، نقش مهمی در افزایش آمادگی کارکنان در مواجهه با بحران‌های روانی و اطلاعاتی ایفاء می‌کند. این آموزش‌ها، توانایی سازمان را برای پاسخ سریع‌تر و مؤثرتر به تهدیدات افزایش می‌دهد.

حمایت و پشتیبانی روانی و اجتماعی: کارکنان انتظامی و خانواده‌های آن‌ها در معرض فشارهای روانی مداوم قرار دارند. بنابراین، یکی از راه‌کارهای مهم برای مقابله با جنگ شناختی، ایجاد سیستم‌های حمایتی روان‌شناختی و

اجتماعی برای این افراد است. هدف این بُعد، ایجاد محیطی حمایتی برای کارکنان و خانواده‌های آنان است. از طریق مشاوره‌های روان‌شناختی، شبکه‌های حمایتی و مدیریت استرس، این بُعد به کاهش تنش‌ها و تقویت روابط خانوادگی می‌پردازد. ارائه خدمات مشاوره‌ای و برگزاری برنامه‌های اجتماعی می‌تواند حس هم‌بستگی و امنیت روانی در خانواده‌ها را تقویت کند. هم‌چنین شناسایی تهدیدات روانی در مراحل اولیه، از بروز مشکلات جدی‌تر جلوگیری می‌کند. ایجاد گروه‌های حمایتی برای کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان که بتوانند تجربیات و احساسات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، می‌تواند به کاهش انزوا و افزایش هم‌بستگی کمک کند. این گروه‌ها هم‌چنین می‌توانند محلی برای ارائه اطلاعات دقیق و شفاف در خصوص جنگ شناختی و تکنیک‌های مقابله با آن باشند.

ترکیب حمایت‌های روان‌شناختی و اجتماعی می‌تواند نتایج بهتری در حفاظت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان داشته باشد.

اقدامات فنی و نظارتی: این بُعد بر استفاده از فناوری‌های نوین و ابزارهای تحلیل داده برای نظارت بر فضای مجازی و شناسایی تهدیدات متمرکز است. نظارت بر شایعات و کنترل آن‌ها نیز از اهداف کلیدی این بخش است. بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها، یک مزیت رقابتی در شناسایی تهدیدات و مقابله با حملات روانی است. این اقدامات می‌تواند کارایی سازمان را در مقابله با جنگ شناختی افزایش دهد.

استفاده از سیستم‌های تحلیل داده و هوش مصنوعی، امکان شناسایی زودهنگام تهدیدات روانی و شناختی را فراهم کرده و به اقدامات پیشگیرانه سرعت می‌بخشد. این فناوری‌ها هم‌چنین در کنترل و تکذیب شایعات نقش کلیدی دارند.

مدیریت بحران و هماهنگی در سطوح مختلف: این بخش با هدف واکنش سریع و مؤثر به بحران‌های شناختی و تهدیدات روانی طراحی شده است. هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان و ایجاد تیم‌های واکنش سریع از

جمله اقدامات کلیدی است. داشتن تیم‌های تخصصی برای مدیریت بحران می‌تواند از گسترش اثرات منفی تهدیدات جلوگیری کند. هم‌چنین هماهنگی بین‌بخشی، کارایی عملیات را بهبود می‌بخشد و موجب انسجام بیش‌تر در پاسخ‌دهی می‌شود.

بُعد فرهنگی - اجتماعی: این بُعد به ارتقای هویت سازمانی، تقویت سرمایه اجتماعی انتظامی و بهبود ارتباط با جامعه می‌پردازد. برگزاری همایش‌ها و کمپین‌های رسانه‌ای نیز بخشی از این بُعد است. تقویت هویت سازمانی و ایجاد اعتماد متقابل بین انتظامی و جامعه، نقش کلیدی در موفقیت انتظامی در جنگ شناختی دارد. سرمایه اجتماعی انتظامی می‌تواند به‌عنوان یک سد قوی در برابر تهدیدات عمل کند. یکی از مهم‌ترین اهداف جنگ شناختی، ایجاد شکاف بین انتظامی و جامعه است. بنابراین، تقویت پیوند بین انتظامی و جامعه می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای مقابله با جنگ شناختی عمل کند. برای این منظور، برقراری ارتباط مستمر و سازنده بین انتظامی و شهروندان از طریق برنامه‌های اجتماعی، خدمات جامعه‌محور و ایجاد فرصت‌های گفت‌وگو و تعامل مثبت، می‌تواند منجر به افزایش اعتماد عمومی به انتظامی شود. این موضوع به کارکنان انتظامی نیز کمک می‌کند تا احساس کنند که جامعه از آن‌ها حمایت می‌کند و آن‌ها بخشی از یک شبکه حمایتی بزرگ‌تر هستند. تقویت ارتباط بین انتظامی و جامعه از طریق برنامه‌های اجتماعی و خدمات جامعه‌محور می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به انتظامی کمک کند. این ارتباطات اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار دفاعی در برابر تفرقه‌افکنی و شایعات در جنگ شناختی عمل کند.

بُعد امنیتی و سایبری: این بُعد به حفاظت از اطلاعات شخصی کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در فضای مجازی و مقابله با حملات سایبری می‌پردازد. تحلیل داده‌ها و استفاده از فناوری‌های پیشرفته نیز بخشی از این بُعد است. امنیت سایبری و اطلاعاتی، اساس دفاع در برابر جنگ شناختی است. حفاظت از اطلاعات شخصی کارکنان و آموزش آنان در این زمینه می‌تواند ریسک حملات سایبری و روانی را کاهش دهد.

بُعد مدیریتی و سازمانی: این بُعد شامل برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت بحران شناختی و تقویت نظام منابع انسانی است. ایجاد انگیزه، شایسته‌سالاری و توسعه نظام تشویق و تنبیه از دیگر اهداف این بخش است. مدیریت اثربخش منابع انسانی و ایجاد انگیزه در کارکنان از طریق عدالت سازمانی و شایسته‌سالاری می‌تواند تاب‌آوری آنان را در مواجهه با تهدیدات افزایش دهد. هم‌چنین برنامه‌ریزی راهبردی برای مقابله با تهدیدات آینده ضروری است. سازمان انتظامی باید از طریق ایجاد برنامه‌های انگیزشی و حمایت‌های سازمانی، نقش خود را در تقویت روحیه کارکنان و حفظ انسجام سازمانی ایفاء کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل ارائه پاداش‌ها، ارتقای شغلی بر اساس عملکرد، تسهیلات رفاهی و هم‌چنین بهبود شرایط کاری باشد. وقتی کارکنان احساس کنند که سازمان از تلاش‌هایشان قدردانی می‌کند، اعتماد به‌نفس و انگیزه آن‌ها برای مقابله با چالش‌های روان‌شناختی جنگ شناختی افزایش می‌یابد. این حمایت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که کارکنان احساس کنند تلاش‌هایشان ارزشمند است و سازمان از آنان حمایت کامل می‌کند.

بُعد حقوقی و قانونی: هدف این بُعد، ایجاد قوانین حمایتی برای حفاظت از کارکنان و خانواده‌های آنان در برابر حملات شناختی و رسانه‌ای است. حمایت حقوقی از خانواده‌ها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. تدوین قوانین کارآمد و اجرایی برای حفاظت از کارکنان و خانواده‌ها، اعتماد به سازمان را افزایش می‌دهد. هم‌چنین قوانین پیشگیرانه می‌تواند از بروز تهدیدات در آینده جلوگیری کند. طبق گزارش ناتو در سال ۲۰۲۰، وجود قوانین حمایتی قوی برای محافظت از نیروهای امنیتی در برابر حملات اطلاعاتی و روان‌شناختی، یکی از ارکان اساسی دفاع در برابر جنگ شناختی است. تدوین و اجرای این قوانین می‌تواند از ایجاد هرگونه تهدید حقوقی و روان‌شناختی علیه کارکنان انتظامی جلوگیری کند و امنیت شخصی و شغلی آنان را تأمین نماید. هر بُعد از این الگو، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تقویت امنیت روانی، اطلاعاتی و اجتماعی کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان مؤثر است. ترکیب این ابعاد به یکپارچگی سازمانی، تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی و کاهش آسیب‌پذیری

منجر می شود. اجرای این الگو نیازمند برنامه ریزی دقیق، تخصیص منابع کافی و نظارت مداوم است.

بحث و نتیجه گیری

جنگ شناختی به عنوان یک ابزار مؤثر در جنگ های مدرن، می تواند تأثیرات جدی و ماندگاری بر کارکنان انتظامی و خانواده های آنان داشته باشد. برای مقابله با این تهدیدات، باید الگوهای حمایتی و آموزشی مناسب طراحی و اجرا شوند. الگوی تدوین شده برای صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده های آنان در جنگ شناختی، پاسخی جامع به تهدیدات پیچیده و چندلایه ای است که در فضای امروز، سلامت روانی، اجتماعی و سازمانی این گروه را به خطر می اندازد. این الگو با در نظر گرفتن ابعاد مختلف، از آموزش تا امنیت سایبری، راهبردهایی عملیاتی برای کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری ارائه می دهد. یکی از نقاط قوت این الگو، جامعیت آن در شمول ابعاد مختلف آموزشی، روانی، فرهنگی، فنی و قانونی است. این ابعاد در کنار هم نه تنها به توانمندسازی کارکنان انتظامی و خانواده های آنان می پردازد، بلکه زمینه ساز تقویت هم بستگی سازمانی و اجتماعی نیز می شود. هریک از ابعاد با تمرکز بر حوزه ای خاص، به طور هم افزا در جهت بهبود وضعیت کلی انتظامی و خانواده ها عمل می کند.

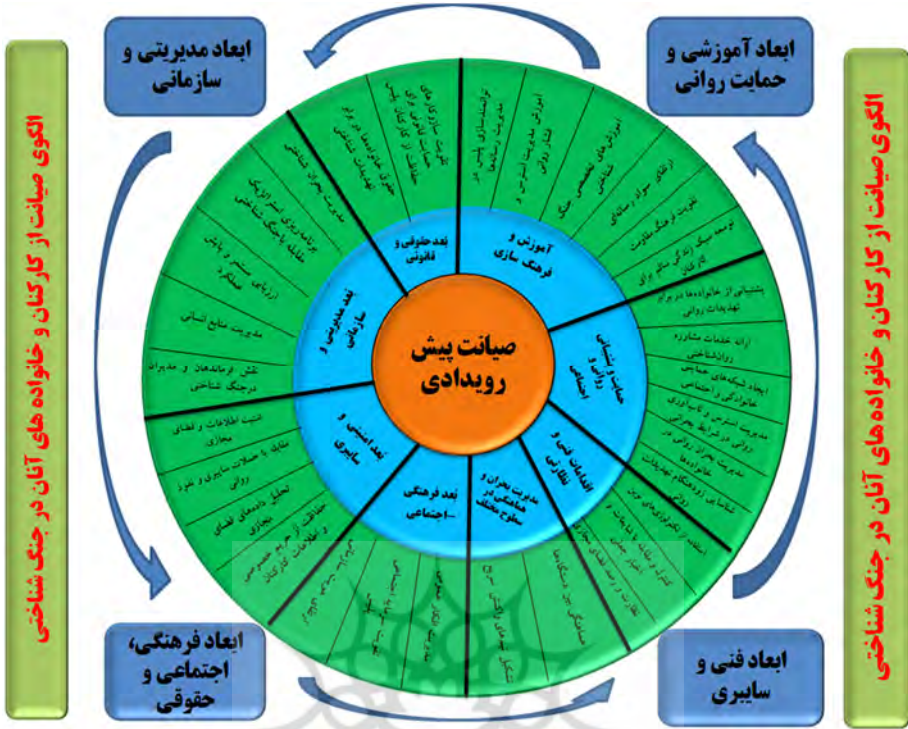
آموزش به عنوان زیربنای این الگو، نقش مهمی در مقابله با جنگ شناختی ایفاء می کند. توانمندسازی در مدیریت رسانه ها، ارتقای سواد رسانه ای، و آموزش مهارت های تفکر انتقادی، کارکنان و خانواده ها را در برابر تهدیدات رسانه ای و روانی مقاوم تر می کند. ترویج فرهنگ مقاومت و تاب آوری نیز به حفظ انسجام روانی و سازمانی کمک می کند. ابعاد حمایتی این الگو، با ارائه خدمات مشاوره ای، ایجاد شبکه های حمایتی و مدیریت استرس، محیطی امن و حمایت گر برای کارکنان و خانواده ها فراهم می آورد. این بخش نه تنها به کاهش فشار روانی کمک می کند، بلکه حس هم بستگی و اعتماد متقابل را نیز تقویت می کند. استفاده از فناوری های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده ها،

امکان شناسایی و پیشگیری از حملات شناختی را به‌طور مؤثر فراهم می‌آورد. نظارت بر فضای مجازی و مدیریت شایعات از طریق ابزارهای پیشرفته، موجب کاهش آسیب‌های ناشی از انتشار اطلاعات نادرست می‌شود. مدیریت بحران شناختی و تشکیل تیم‌های واکنش سریع، سازمان را در برابر حملات غیرمنتظره آماده نگه می‌دارد. هماهنگی بین بخش‌های مختلف و برنامه‌ریزی راهبردی، رویکردی نظام‌مند برای مقابله با تهدیدات ارائه می‌دهد. هویت سازمانی قوی و سرمایه اجتماعی بالا، نقش مهمی در اعتمادسازی و تقویت جایگاه انتظامی در جامعه دارد. برگزاری همایش‌ها و کمپین‌های فرهنگی، تصویری مثبت از انتظامی ارائه می‌دهد و ارتباط میان انتظامی و جامعه را بهبود می‌بخشد. در دنیای دیجیتال، حفاظت از اطلاعات شخصی و سازمانی یک ضرورت حیاتی است. آموزش کارکنان در زمینه امنیت سایبری و استفاده از ابزارهای پیشرفته، احتمال نفوذ و تهدید را به حداقل می‌رساند. ابعاد حقوقی و قانونی این الگو با ارائه چارچوبی محکم، نه تنها حمایت از کارکنان و خانواده‌ها را تضمین می‌کند، بلکه مانع سوءاستفاده‌های احتمالی از فضای مجازی و رسانه‌ای می‌شود. تصویب قوانین پیشگیرانه و بازدارنده، پایداری این الگو را تقویت می‌کند.

الگوی صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی، پاسخی جامع، چندوجهی و راهبردی به تهدیدات نوظهور است. این الگو با تکیه بر آموزش، حمایت روانی و اجتماعی، نظارت فنی، مدیریت بحران، و تقویت هویت سازمانی، نه تنها از کارکنان و خانواده‌های آنان محافظت می‌کند، بلکه جایگاه انتظامی را در جامعه تقویت می‌نماید. اجرای موفق این الگو، مستلزم تأمین منابع مالی و انسانی کافی، هماهنگی میان بخشی، و نظارت مستمر بر عملکرد آن است. با تحقق این موارد، انتظامی می‌تواند به الگویی موفق در مقابله با جنگ شناختی تبدیل شود و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش جامعه ایفاء کند.

این جامعیت به‌وضوح فراتر از رویکردهای پیشینه‌ای است که عمدتاً بر جنبه‌های خاصی مانند مدیریت استرس، سواد رسانه‌ای یا عدالت سازمانی

متمركز بوده‌اند. پیشینه پژوهشی نظیر پژوهش محمدی و طاهری (۱۴۰۰) بر اهمیت سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌های شناختی تأکید کرده‌اند. این پژوهش این مؤلفه را گسترش داده و علاوه بر ارتقای سواد رسانه‌ای، به آموزش‌های مدیریت استرس و جنگ شناختی، توانمندسازی در تحلیل اطلاعات نادرست، و ترویج فرهنگ مقاومت پرداخته است. پیشینه‌ای نظیر پژوهش رستمی و صادقی (۱۳۹۸) به تأثیر حمایت‌های سازمانی بر احساس امنیت خانواده‌ها پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر، این موضوع با پیشنهاد‌های عملی، نظیر ایجاد شبکه‌های حمایتی، ارائه خدمات مشاوره و مدیریت بحران روانی توسعه یافته است. یافته‌های پژوهش با پیشنهاد استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها برای شناسایی تهدیدات و مقابله با شایعات، نسبت به پیشینه (مانند پژوهش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای) رویکردی فنی‌تر و پیشرفته‌تر دارد. در حالی که پیشینه به موضوعاتی نظیر عدالت سازمانی و حمایت اجتماعی پرداخته است، مقاله حاضر با تأکید بر امنیت سایبری، حفاظت از اطلاعات شخصی و مقابله با حملات سایبری به نیازهای نوین کارکنان انتظامی و خانواده‌ها در فضای دیجیتال پاسخ داده است. برگزاری کمپین‌های رسانه‌ای و تقویت سرمایه اجتماعی در این مقاله، به‌طور عملیاتی‌تر و سازمان‌یافته‌تر از پیشینه‌ای نظیر پژوهش‌های عزیز و کریمی (۱۳۹۷) ارائه شده است. این پژوهش با ترکیب یافته‌های پیشینه و افزودن ابعاد جدید، الگویی جامع‌تر و عملیاتی‌تر ارائه کرده است که به‌طور خاص برای مقابله با تهدیدات چندلایه جنگ شناختی طراحی شده است. این الگو، هم از لحاظ جامعیت و هم از لحاظ نوآوری، از مطالعات پیشین فراتر می‌رود.



شکل ۱: الگوی صیانت از کارکنان و خانواده‌های آنان در جنگ شناختی

پیشنهادهای

بر اساس الگوی ارائه‌شده، پیشنهادهای کاربردی زیر برای تقویت صیانت از کارکنان انتظامی و خانواده‌های آنان ارائه می‌شود:

الف. آموزش و فرهنگ‌سازی

۱. تدوین برنامه‌های آموزش رسانه‌ای:

- ارائه کارگاه‌های عملی درباره شناسایی اخبار جعلی و مقابله با شایعات.
- تولید محتوای چندرسانه‌ای آموزشی برای کارکنان و خانواده‌ها درباره اصول امنیت سایبری و مدیریت اطلاعات.

۲. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی: برگزاری دوره‌هایی برای تقویت تفکر انتقادی در کارکنان و خانواده‌ها برای تحلیل اطلاعات دریافتی از رسانه‌ها.

۳. ترویج فرهنگ تاب‌آوری روانی:

- اجرای برنامه‌های فرهنگی مانند همایش‌ها، مسابقات و تولید محتوا با محوریت تقویت تاب‌آوری روانی و اجتماعی.

- آموزش تکنیک‌های مدیریت استرس و تمرینات آرامش‌بخش ذهنی.

۴. ایجاد بسته‌های آموزشی دیجیتال: توسعه اپلیکیشن‌های آموزشی که کارکنان و خانواده‌هایشان بتوانند از آن برای یادگیری مهارت‌های مقابله با جنگ شناختی استفاده کنند.

ب. حمایت و پشتیبانی روانی و اجتماعی

۱. راه‌اندازی مراکز مشاوره تخصصی:

- ایجاد مراکز مشاوره روان‌شناختی در مراکز انتظامی برای ارائه خدمات منظم به کارکنان و خانواده‌ها.

- امکان دسترسی برخط و تلفنی به مشاوران برای مواقع بحرانی.

۲. تقویت شبکه‌های حمایتی خانوادگی:

- ایجاد گروه‌های حمایتی برای خانواده‌های کارکنان جهت تبادل تجربیات و کاهش احساس تنهایی.

- برگزاری برنامه‌های خانوادگی و تفریحی برای افزایش هم‌بستگی اجتماعی.

۳. تشکیل تیم‌های روان‌شناختی سیار: اعزام تیم‌های روان‌شناسی به مناطق مأموریتی یا بحرانی برای ارائه پشتیبانی فوری.

۴. شناسایی زود هنگام تهدیدات روانی: طراحی ابزارهای روان‌سنجی دوره‌ای برای شناسایی زود هنگام تغییرات رفتاری کارکنان و خانواده‌ها.

ج. اقدامات فنی و نظارتی

۱. راه‌اندازی سامانه‌های نظارتی هوشمند:

- استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای رصد شایعات و حملات شناختی علیه کارکنان انتظامی.

- طراحی سیستم‌های تحلیل داده برای شناسایی روندهای تهدیدات رسانه‌ای.

۲. تشکیل تیم‌های پاسخ‌گویی سریع به شایعات: ایجاد تیم‌های تخصصی برای انتشار سریع اطلاعات دقیق و پاسخ‌گویی به شایعات در رسانه‌های اجتماعی.

۳. ارائه خدمات امنیت سایبری: نصب نرم‌افزارهای حفاظتی روی دستگاه‌های شخصی کارکنان و خانواده‌ها برای جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی.

۴. پیش‌بینی تهدیدات آینده: ایجاد بانک اطلاعاتی برای تحلیل الگوهای حملات شناختی و تهیه گزارش‌های پیش‌بینی تهدیدات.

د. مدیریت بحران و هماهنگی بین دستگاه‌ها

۱. تشکیل کمیته‌های بین‌بخشی: ایجاد ساختاری برای هماهنگی میان واحدهای امنیتی، آموزشی و روان‌شناختی برای مقابله با جنگ شناختی.

۲. ایجاد تیم‌های واکنش سریع چندتخصصی: حضور کارشناسان ارتباطات، رسانه، روان‌شناسی و امنیت سایبری در تیم‌های واکنش سریع برای مدیریت بحران.

۳. اجرای مانورهای شبیه‌سازی: طراحی و برگزاری مانورهای شبیه‌سازی جنگ شناختی برای تقویت آمادگی کارکنان و خانواده‌ها.

ح. تقویت هویت سازمانی و سرمایه اجتماعی

۱. برگزاری کمپین‌های اجتماعی: طراحی کمپین‌های رسانه‌ای با محتوای مثبت برای تقویت تصویر انتظامی در جامعه و افزایش اعتماد عمومی.
۲. تشویق به مشارکت اجتماعی کارکنان: برنامه ریزی برای مشارکت کارکنان انتظامی در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، مانند کمپین‌های خیریه و فرهنگی.
۳. ایجاد گروه‌های حامی مردمی: توسعه گروه‌های داوطلب مردمی برای حمایت از کارکنان انتظامی و خانواده‌ها در شرایط بحرانی.

ه. اقدامات امنیتی و سایبری

۱. آموزش امنیت سایبری: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان و خانواده‌ها درباره حفاظت از اطلاعات شخصی در فضای مجازی.
۲. تقویت زیرساخت‌های سایبری: استفاده از سیستم‌های پیشرفته امنیت سایبری برای جلوگیری از حملات به اطلاعات سازمانی و شخصی.
۳. تحلیل داده‌های فضای مجازی: بهره‌گیری از داده‌کاوی و تحلیل داده‌ها برای شناسایی حملات شناختی و جلوگیری از گسترش آن‌ها.

ف. اصلاح و تدوین قوانین حمایتی

۱. تصویب قوانین حمایتی:
 - تدوین قوانینی برای مقابله با تخریب اعتبار کارکنان انتظامی در رسانه‌ها و فضای مجازی.
 - تقویت قوانین حمایت از خانواده‌ها در برابر تهدیدات روانی و شناختی.

- احمدی، حسن، و حسینی، مجید (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری روانی کارکنان انتظامی. *فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی*، ۷(۳)، ۲۲-۳۵.
- رستمی، سعید، و صادقی، حسین (۱۳۹۸). تأثیر حمایت‌های سازمانی بر احساس امنیت خانواده‌های کارکنان انتظامی. *مجله علوم اجتماعی و امنیت*، ۹(۲)، ۳۰-۴۵.
- زیباکلام، صادق، و تدینی، مهدی (۱۴۰۱). پژوهشی در جنگ‌های نرم و شناختی علیه نیروهای امنیتی در ایران. *نشریه مطالعات امنیتی*.
- عزیزی، محمد، و کریمی، ناصر (۱۳۹۷). نقش مدیریت استرس شغلی در صیانت از سلامت روانی کارکنان انتظامی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۶(۱)، ۵۰-۶۳.
- محمدی، علیرضا، و طاهری، رضا (۱۴۰۰). نقش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌های شناختی کارکنان انتظامی. *نشریه پژوهش‌های رسانه‌ای و ارتباطات*، ۵(۴)، ۴۵-۵۸.
- میرزایی، حمیدرضا، و یوسفی، فرزاد (۱۴۰۱). نقش عدالت سازمانی در تقویت تاب‌آوری کارکنان در مواجهه با جنگ شناختی. *مجله مدیریت و توسعه منابع انسانی*، ۴(۳)، ۲۷-۳۸.
- Arnetz, B. B., Nevedal, D. C., Lumley, M. A., Backman, L., & Lublin, A. (2009). Trauma resilience training for police: Psychophysiological and performance effects. *Journal of Police and Criminal Psychology*, 24(1), 1-9.
- American Psychological Association (APA), *The Psychological Impact of Cyber and Cognitive Warfare on Security Forces*, 2021.
- Burke, R. J. (1993). Work-family stress, conflict, coping, and burnout in police officers. *Stress Medicine*, 9(3), 171-180.
- Columbia University. (2021). *Social Support Networks and Mental Resilience in the Face of Cognitive Warfare*. New York: Columbia University Press.
- Canadian Psychological Association. (2021). *Mental Health Support for Police Forces: The Canadian Experience*. Ottawa: CPA.
- Center for Strategic and International Studies (CSIS), *Information Warfare and National Security: A Global Threat*, 2022.

- Colquitt, J. A., Conlon, D. E., Wesson, M. J., Porter, C. O., & Ng, K. Y. (2001). Justice at the millennium: A meta-analytic review of 25 years of organizational justice research. *Journal of Applied Psychology*, 86(3), 425-445.
- Institute for the Study of War (ISW), *Psychological and Cognitive Warfare: A New Frontier*, 2023.
- Grossman, D., & Christensen, J. (2019). On Combat: The Psychology and Physiology of Deadly Conflict in War and in Peace. *Human Factor Research Group*.
- Harvard University. (2020). Resilience in Law Enforcement: The Role of Psychological Support. Boston: *Harvard University Press*.
- European Union Agency for Cybersecurity (ENISA). (2021). Cybersecurity Skills and Social Support for Security Forces. Brussels: *ENISA*.
- Shawn P. McPheeters et al., Cognitive Warfare: A Way to Weaponries Public Opinion, *Journal of Military and Strategic Studies*, 2021.
- RAND Corporation, *The Evolution of Cognitive Warfare in the Digital Age*, 2021.
- The Institute for the Study of War (ISW), *Psychological and Cognitive Warfare: A New Frontier*, 2023.
- NATO Review, Cognitive Warfare: Are We Prepared?*, 2020.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. *Simon & Schuster*.
- Shane, J. M. (2010). Organizational stressors and police performance. *Journal of Criminal Justice*, 38(4), 807-818.
- Potter, W. J. (2013). Media Literacy. SAGE Publications.
- Kop, N., & Euwema, M. (2001). Occupational stress and the use of force by Dutch police officers. *Criminal Justice and Behavior*, 28(5), 631-652.
- Violanti, J. M., & Aron, F. (1995). Police stressors: Variations in perception among police personnel. *Journal of Criminal Justice*, 23(3), 287-294.
- McCreary, D. R., & Thompson, M. M. (2006). Development of two reliable and valid measures of stressors in policing: The operational and organizational police stress questionnaires. *International Journal of Stress Management*, 13(4), 494-518.